

## گونه‌شناسی رویکردهای مطالعات خلیج فارس

دکتر ابراهیم عباسی<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله بر آن است که از منظری بین‌رشته‌یی به بررسی و نقد چارچوبهای مختلفی که تاکنون در تبیین و تحلیل خلیج فارس و موضوعات آن بکار رفته، بپردازد. آنچه تا عصر حاضر در مورد خلیج فارس نمایه‌سازی شده، فقط بررسی موضوعی مقالات و کتابهای منتشرشده داخلی و خارجی بوده است؛ در حالی که رویکردهای نظری این مطالعات هنوز مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. سؤالات مطرح شده در این نوشتار عبارت از این است که چارچوب یا رویکردهای بکاررفته در مطالعه پدیده یا موضوعی به نام خلیج فارس، بویژه میزان کارآمدی این مطالعات در شناخت این حوزه بر چه اساسی است؟ و علت ورود این رویکردها به این حوزه چیست؟ فرضیه مهم، آن است که خلیج فارس موضوعی بین‌رشته‌یی است. از اینرو، رویکردهای تاریخی- جغرافیایی، فرهنگی- سیاسی و امنیتی و اقتصادی به ترتیب از جمله رهیافتهای پژوهشی بکار رفته در مطالعات مربوطه بوده و بیشترین کاربرد را در تولید ادبیات این حوزه داشته‌اند. این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی- مقایسه‌یی انجام شده و گردآوری داده‌ها مبتنی بر روش کتابخانه‌یی است. یافته‌های پژوهش نشان از شکل‌گیری این رویکردها بر اساس نیازهای بیرونی و ملاحظات بین‌المللی، منطقه‌یی و داخلی دارد. آنها همچنین حاکی از این امر هستند که مناقشه بر سر بحرین، جزایر سه گانه و نام خلیج فارس، مهمترین مؤلفه‌های داخلی در گسترش مطالعات این حوزه با نگرش تاریخی بوده است.

### کلیدواژگان

خلیج فارس؛ مطالعات خلیج فارس؛ گونه‌شناسی؛ رویکردها

### مقدمه

خلیج فارس موضوعی است که تاکنون از زوایای مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. طبقه‌بندی مطالعات داخلی و خارجی و بررسی نقادانه آنها میتواند به سنخ‌شناسی ادبیات این حوزه کمک کند. امری که تاکنون در کشور انجام نشده است. شاید بتوان ادعا کرد که این حوزه، ادبیات زیادی را در کشور نسبت به سایر حوزه‌ها تولید کرده باشد. بنابراین دسته‌بندی و نقد و بررسی آنها ما را از روند این ادبیات در داخل و از نگاه و روایت بعد خارجی این نوشته‌ها مطلع میکند. نوشته حاضر نه قصد قلم‌فرسایی دارد و نه مدعی طبقه‌بندی کامل این حوزه است، فقط میخواهد بنا به وسع خود مقدمه‌یی بنگارد تا وضعیت ایران ما و جامعه عرب و جهان خارج را در مورد این موضوع مشخص کند.

اهمیت خلیج فارس و تعدد موضوعات مطرح شده در این حوزه باعث شده، در حوزه علوم انسانی که مورد تأکید این پژوهش است، تاکنون چارچوبهای تحلیلی مختلف برای مطالعه آن بکار برده شود. این امر آن را به حوزه‌یی میان‌رشته‌یی تبدیل کرده است. گونه‌شناسی<sup>۲</sup> مطالعات این

۲. هدف این نوشتار بررسی هستی‌شناسی یا معرفت‌شناسی؛ یعنی پرسش از چیستی خلیج فارس (هستی‌شناسی) یا قابل شناخت بودن موضوع از منظر پوزیتویستی یا تبیینی و تفسیری (معرفت‌شناسی) نیست. بنابراین افزون بر مطالعات پدیده‌ها از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، برخی پژوهشگران به

۱. استادیار بخش علوم سیاسی دانشگاه شیراز و رئیس مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس؛ e.abbasi.ir@gmail.com

یکدیگر تفکیک کرد؟ ادعای مقاله این است که در مطالعه خلیج فارس، عمدتاً از چهار رویکرد تاریخی-جغرافیایی، فرهنگ سیاسی، امنیتی و اخیراً اقتصاد سیاسی استفاده شده است. این بدان معنا نیست که از رویکردهای دیگر استفاده نشده؛ بلکه ادعا این است که در مجموع این چهار رویکرد، بیشتر از رویکردهای دیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نگارنده با مطالعه مقالات و کتابهای متعدد در حوزه خلیج فارس با روش استقرایی و مطالعه کتابخانه‌یی به این جمع‌بندی رسیده است. در این پژوهش هر یک از این رویکردها و مؤلفه‌های آنها، چرایی ورود، ادبیات رویکردها و پیامدهای آنها به بحث گذاشته می‌شود:

#### بررسی ادبیات موضوع

خلیج فارس از جمله موضوعات مهم و پرکاربرد در ادبیات نوشتاری کشور است. جمع‌بندی این کتب و نقد و بررسی آنها یا تعیین موضوعات مطرح در خصوص خلیج فارس از دغدغه‌های ایران‌دوستان و محققان بشمار میرفته است. انجام این کار ضمن اینکه به نمایه‌سازی در حوزه تحقیقی خلیج فارس پرداخته و محققان برجسته را معرفی می‌کند، اهمیت موضوعات، چرایی پرداختن به موضوعات خلیج فارس و جایگاه کشور را نسبت به سایر کشورها در این حوزه مشخص کرده و نقاط ضعف و قدرت ادبیات موجود را آشکار می‌سازد.

نخستین اقدام در این زمینه و با این هدف، توسط مرحوم اسماعیل راین در کتابی نفیس تحت عنوان کتابنامه خلیج فارس در ۱۳۰ صفحه منتشر شد. همچنین از این نویسنده کتابی با عنوان *دریانوردی ایرانیان (۱۳۵۶)* به چاپ رسیده است. کتاب *شناسی گزیده خلیج فارس (۱۳۵۶)*، دومین اقدام در این حوزه از طرف مرکز مدارک علمی بود. بیژن اسدی نیز کتابهایی با عنوان *کتاب‌شناسی موضوعی خلیج فارس: فارسی و عربی (مقاله‌ها، کتب، رسانه‌ها، اسناد و مدارک) و خلیج فارس از دیدگاه آمار و ارقام*، توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه (۱۳۶۸) و *خلیج فارس و مسائل آن*، توسط انتشارات سمت منتشر کرده است. محتوای این آثار، بیشتر جمع‌آوری است و در آنها به رویکردهای نوشتاری نویسندگان پرداخته نشده است.

حوزه نیز مانند تحولات آن از پیچیدگی و دشواری خاصی برخوردار است.

تحولات آن یک نمونه عینی از دریافتهای ادراکی پیچیده و چندبعدی جامعه‌شناختی را نشان می‌دهد. مرکزیت خلیج فارس در خاورمیانه، مناطق مهم و حادثه‌خیز محیط پیرامونی آن، همچون بین‌النهرین، فلات ایران و شبه‌جزیره عربستان از یکسو و از سوی دیگر بدلیل حضور چشمگیر و مؤثر استعمارگران از جمله پرتغال، انگلستان، هلند، فرانسه، روسیه و آمریکا و تاریخ آن، خلاصه رویدادهای مهم بشری بویژه در شرق نزدیک شده است. بدینسان عوامل و دلایل شکل‌گیری هر رویدادی در این منطقه را باید در سه دایره هم‌مرکز تحولات محلی، منطقه‌یی و جهانی جستجو و پیوندها و ارتباطات پیدا و پنهان آن را از درون حوادث متنوع و گوناگونی تاریخی پیدا کرد؛ بنحوی که هرچه از تاریخ قدیم به سمت تحولات معاصر حرکت می‌کنیم، تأثیرات دو دایره منطقه‌یی و جهانی در تحولات کانونی خلیج فارس بیشتر می‌شود. بدین ترتیب در بررسی تحولات خلیج فارس از قدیم‌ترین ایام تا عصر حاضر، حوادث از شکل ساده و تک‌بعدی خود به ماهیتی پیچیده و چندبعدی تبدیل می‌شود و از این منظر، تبیین حوادث خلیج فارس در قرون معاصر مشکلتر از رویدادهای دوره قدیم خواهد بود (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲).

نکته دیگر حرکت از رویکرد تاریخی به رویکردهای تحلیلی و بازگشت مجدد به رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی در مطالعات خلیج فارس است.

سؤال مهم این پژوهش، چارچوب یا رویکرد بکار برده شده در مطالعه پدیده یا موضوعی به نام خلیج فارس، بویژه میزان کارآمدی آنها در شناخت این حوزه و چرایی زمان ورود و پیامد کاربست این چارچوبهاست. بعبارت دیگر، چارچوبهای تحلیلی مطالعات خلیج فارس در واکنش به چه شرایطی دچار تغییر شد و چگونه میتوان این چارچوبها را از

خود این مطالعات پرداخته‌اند تا دریابند در مطالعه یک پدیده خاص از چه روشها یا رویکردهایی استفاده شده است. این روشها یا رهیافتهای بعضاً همانهایی هستند که ریشه در سایر رشته‌های علوم انسانی دارند و مختص علوم سیاسی یا تاریخ نیستند (حاج یوسفی، ۱۳۸۴: ۹۸).

بررسی این ادبیات نشان میدهد که تأکید این آثار بر معرفی و بررسی فهرست مطالب و موضوعات آنهاست. هیچ‌کدام از آثار یاد شده، به بررسی رویکردها و جایگاه نظری آنها پرداخته و علت ورود این روشها و پیامدهای آنها را بررسی نکرده‌اند. در این آثار، نویسندگان در تفکیک موضوعات نیز معیارهای کلی را برشمرده‌اند که با هدف این مقاله که به سیر تحول نظریه‌پردازی در خصوص خلیج فارس میپردازد، متفاوت است. اهمیت این دسته‌بندی از آن‌روست که در مطالعات خلیج فارس، به تحول نظری مورد بحث در این مقاله کمتر اشاره شده و بویژه دسته‌بندی منسجمی از سوی کارشناسان این حوزه ارائه نشده است. از این‌رو این دسته‌بندی میتواند چشم‌انداز تازه‌یی در مطالعات خلیج فارس، پیش روی مخاطبان، بویژه مخاطب ایرانی قرار دهد.

#### یافته‌های پژوهش

##### رویکرد تاریخی در مطالعات خلیج فارس

در علوم انسانی برای مطالعه پدیده‌ها از چارچوبهای مختلفی استفاده شده است. به نوعی که از تنوع رویکردها، روشها و رهیافتها برخوردار است. از جمله این رویکردها (چارچوبها)، رهیافت تاریخی یا اخیراً جامعه‌شناسی تاریخی است. در این رویکرد که به «سنت‌گرایی» نیز معروف و نگاه آن توصیفی است، فقط در بعد مقایسه‌یی برخی تحلیلها را ارائه کرده و روایت آن نیز نقلی است. این رویکرد از یک توصیف تجربی (مطالعه هسته‌ها) برخوردار است و در آن با انبوهی از داده‌های تاریخی که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، روبرو هستیم. زمان مورد مطالعه، طولانی یا دوره خاصی را دربرمیگیرد. بعلاوه تأکید این رویکرد بر گذشت زمان در بررسی یک پدیده و تاریخی شدن یک پدیده، بعنوان یک مورد مطالعاتی، موضوعات مورد مطالعه آن معمولاً سده اخیر را دربرنمیگیرد. دیوید ایستون از این رهیافت، بعنوان سنت‌گرایی یاد میکند که مبتنی بر روشهای عمدتاً تاریخی-توصیفی است. آقا و خانم جکسون نیز از رویکرد سنتی تاریخی در کنار رویکردهای رفتاری، نظریه عمومی، سیستمی، ساختاری-کارکردی و اقتصاد سیاسی یاد میکنند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۰ - ۱۰۱).

آخرین اثر ارزنده را جمشید صداقت‌کیش در سال ۱۳۷۹ با عنوان کتاب‌شناسی توصیفی خلیج فارس با همکاری بنیاد ایران‌شناسی (مرکز بوشهر) منتشر کرده است. این کتاب مدعی است تمام کتابها، مقالات، اسناد و رساله‌های پایان تحصیل دانشجویان را به زبانهای مختلف از جمله فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی، هلندی، اسپانیولی و ژاپنی، تا پایان سال ۱۳۷۷ بررسی کرده است. از این مجموع، تعداد ۲۸۸ کتاب فارسی، ۱۱۵ کتاب عربی، ۲۲ کتاب آلمانی، یک کتاب اسپانیولی و ژاپنی، ۲۶ جلد کتاب فرانسوی و ۲۰۶ جلد کتاب انگلیسی و مقالات مختلف فیش‌برداری شده است. صداقت‌کیش معتقد است، بیشترین موضوعی که نویسندگان در کتابهای فارسی بدانها پرداخته‌اند، موضوع جدایی بحرین، عبارت نادرست «خلیج عربی» و جنگ خلیج فارس بوده که بیشتر از روحیه ناسیونالیستی و ضعف سندی برخوردارند و این ضعف در کتابهای ترجمه‌شده به فارسی کمتر دیده میشود. موضوع کتابهای عربی نیز بیشتر عبارت مجعول «خلیج عربی»، تاریخ خلیج فارس، ابعاد امپریالیستی ایران و... را دربرمیگیرد. تعداد بسیاری از این کتابها در کویت منتشر شده‌اند. کتاب‌شناسی توصیفی خلیج فارس، فقط فهرستی از مطالب کتابها و مقالات را ارائه کرده و موضوعات آن را از یکدیگر تفکیک نکرده است.

در حوزه مقالات فارسی منتشر شده در مورد خلیج فارس، ایرج افشار نیز فهرست مقالات پنج جلدی را در ایران منتشر کرده که ۶۸ مقاله آن در خصوص خلیج فارس است. صداقت‌کیش مدعی است ۸۷۱ مقاله را بررسی کرده که ۴۲۱ مقاله فارسی، ۳۲۹ مقاله انگلیسی، ۷۶ مقاله فرانسوی، یازده مقاله عربی و نه مقاله اسپانیولی بوده است. بیژن اسدی نیز مقالات مجلات و روزنامه‌ها را آورده است. پژوهشنامه خلیج فارس دربردارنده نتایج تحقیقات گروهی از پژوهشگران و صاحب‌نظران در حوزه تاریخ، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و منبع‌شناسی خلیج فارس با هدف معرفی نقش ایرانیان در ساخت تاریخ و فرهنگ و تمدن منطقه به کوشش عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیاست که تاکنون شش جلد آن منتشر شده است.

نگاه انگلستان به خلیج فارس معطوف شد و ایران با قرارداد مجمل و مفصل، امنیت خلیج فارس را به انگلستان واگذار کرد. این رهیافت در قرن نوزدهم رو به تزاید گذاشت. علت آن، پی‌بردن غرب به اهمیت خلیج فارس و تغییرات ژئوپولیتیکی در جهان و اهمیت این منطقه برای انگلستان در مسیر تجاری هند و مدیترانه و رقابت دیگر کشورها بر سر آن بود. ضرورت شناخت سرزمینی، تحت استعمار دریایی، راه‌های ورود و خروج کالا، منابع محلی و توانایی بومیان، اختلاف‌های موجود بین سرزمین‌های ساحلی و استفاده از آنها در موقع ضرورت، انگلیسیها را به پژوهش مهم در این منطقه واداشت. بنابراین یکی از عناصر لازم برای شناخت منطقه، جغرافیای آن و مقامات آنجا بود که در این آثار منعکس شده است. در این حال، دولت قاجار نیز سعی میکرد، اطلاعاتی از جنوب ایران بدست آورد. این رویکرد در گزارشهای کارگزاران انگلیسی، اسناد جمع‌آوری شده این حوزه و برخی سفرنامه‌ها و کتب تحلیلی و توصیفی مأموران خارجی و محققان ایرانی بکار رفته و جنبه تاریخی، تاریخی-جغرافیایی، تاریخی-اقتصادی و تاریخی-اجتماعی و فرهنگی دارند. نگارندگان دیپلماتهای بریتانیایی و سپس سفرنامه‌نویسان خارجی و بعد مورخان ایرانی، بیشتر در تاریخ منطقه‌یی و بعدها متأثر از فضای سیاسی تحولات بحرین، جزایر سه‌گانه و تغییر نام خلیج فارس بوده‌اند.

اسناد خلیج فارس، مهمترین منابع این رویکرد است. در آرشیو وزارت خارجه ایران، قدیمی‌ترین سند خلیج فارس مربوط به تاریخ ۱۲۲۰ هـ.ق است. بجز این، در آرشیو اسنادی آمریکا، هلند، بلژیک، عثمانی، آلمان، هند و پرتغال اسناد زیادی وجود دارند که به این موضوع اشاره کرده‌اند. جهانگیر قائم مقامی نیز اسنادی در مورد خلیج فارس، در آرشیو پرتغال ارائه کرده است (۱۳۵۴). واحد نشر اسناد وزارت خارجه نیز در کتابی تحت عنوان *گزیده اسناد خلیج فارس*، اسناد خلیج فارس را در پنج جلد (که بیشتر شامل گزارشهای کارگزاریهای وزارت خارجه ایران در جنوب است)، منتشر کرده است (۱۳۶۸). تاریخ این اسناد از ۱۳۲۰ هـ.ق تا پایان دوره پهلوی اول است. *اسناد کارگزاری بوشهر* (۱۳۸۵) و *نقش کارگزاریهای داخلی در روابط ایران و بریتانیا* (۱۳۸۶)، توسط مرتضی نورایی از جمله این کتابهاست. آثار تدوینی و تألیفی کاوه بیات، محقق نامدار

«مقصود از تاریخ گرایی<sup>۱</sup>، نگره‌یی است که ماهیت پدیده‌های اجتماعی را به تاریخ آنها پیوند میزند؛ چنانکه شناخت آنها، مطالعه توسعه تاریخی آنهاست» (فی، ۱۳۸۳: ۲۴۷). تاریخ‌نگاری روش انجام پژوهشهای تاریخی یا گردآوری و تحلیل شواهد تاریخی است. در این رویکرد، تاریخ به چند معنا بکار برده میشود:

۱. رویدادهایی که در زمانی خاص در گذشته اتفاق افتاده‌اند؛

۲. آرشیو یا اسناد مربوط به گذشته؛

۳. رشته‌یی که تحولات گذشته را مطالعه میکند (سید امامی، ۱۳۸۶: ۳۹۷ بنقل از نیومن، ۲۰۰۱: ۳۹۵).

روش کیفی، وجه غالب آن را تشکیل میدهد. پژوهشگر داده‌های خود را از اسناد، مصاحبه با شاهدان (تاریخ شفاهی)، زندگینامه‌ها، نامه‌نگاریها و غیره بدست آورده و این اطلاعات را تحلیل و تفسیر میکند (همان: ۳۸۹). این رویکرد تحت عنوان تاریخ‌نگاری در مکتب آنال فرانسه (مارک بلوخ) مورد توجه قرار گرفته و امروزه بیشتر تحت عنوان جامعه‌شناسی تاریخی مورد نظر محققان از جمله، خانم اسکاچپول، برینگتن مور، آیزنشتات، تامپسون، چارلز تیلی و ایمانوئل والرشتاین قرار گرفته است. غالب جامعه‌شناسان تاریخی اول، پرسشهایی را درباره ساختارها یا فرایندهای اجتماعی که در زمان و مکان مشخصی قرار گرفته باشند، مطرح میکنند؛ دوم، آنها به فرایندهای ایجاد شده در طول زمان میپردازند و زنجیرهای زمانی را بطور جدی در تحلیل و توضیح پیامدها لحاظ میکنند؛ سوم، اغلب تحلیلهای تاریخی به تأثیر متقابل کنشهای معنادار و زمینه‌های ساختاری توجه دارند تا بروز پیامدهای خواسته و ناخواسته را در زندگیهای فردی و دگرگونیهای اجتماعی درک و فهم کنند (اسکاچپول، ۱۳۸۸: ۷-۸). بدین ترتیب، بتدریج آثار تاریخی به سمت این نوع روش، در مطالعات خلیج فارس حرکت کرده‌اند.

رویکرد یاد شده از قدیمی‌ترین رویکردها در مطالعه خلیج فارس است. این رویکرد محصول قرن نوزدهم است که

از سال ۱۹۰۵ - ۱۹۱۵ م. است. بخشهایی از متن انگلیسی کتاب لوریم را نیز رسول خیراندیش، تحت عنوان *سواحل خلیج فارس* منتشر کرده است.

آرشیو ادیشن نیز تاکنون توانسته مجموعه اسناد مهمی را منتشر کند. از جمله آنها چکیده *اسناد خلیج فارس* است. در سال ۱۹۰۳ م. / ۱۳۲۱ هـ.ق دولت هند، لوریم را مأمور تهیه راهنمای خلیج فارس کرد. هنگامی که لوریم مشغول تهیه اسناد خلیج فارس شد، دولت هند، جروم آنتونی سالدانها<sup>۳</sup>، قاضی بمبئی، را مأمور همکاری با او کرد. وظیفه سالدانها این بود که از خلال اسناد آرشیوهای دولتی بریتانیا در کلکته و بمبئی، چکیده اسناد مرتبط به خلیج فارس را تهیه کند. در عرض دو سال کار طاقت فرسا، سالدانها اسناد انگلیسی را از سال ۱۶۰۰ م. / ۱۰۰۹ هـ.ق، بررسی و به گفته لوریم اطلاعات ارزشمند و ظریفی را از آنها استخراج کرد. کار سالدانها خلاصه نویسی علمی و آرشیوی از اسناد حدود سیصد سال حضور انگلستان در منطقه خلیج فارس بود. از وی کتاب *چکیده های خلیج فارس* در هجده جلد به انگلیسی منتشر شده است. کار سالدانها در سالهای بعد توسط جانشینانش ادامه یافت و تحت عنوان *PG ۵۳* و *PG ۱۳* منتشر شد که خلاصه یی از اسناد خلیج فارس از سال ۱۹۰۷ - ۱۹۵۳ م. است. اسناد پس از این سالها را تا سال ۱۹۷۲ م. پیوسته های راهنمای خلیج فارس میپوشاند (خیراندیش و تبریزنیا، دفتر اول و دوم، ۱۳۹۱).

از دیگر گزارشها، کتاب *گزارشات سرپرسی کاکس سرکنسول انگلیس در بوشهر و جانشین او کاپیتان تره وراست* که به همت حسن زنگنه به فارسی در دو جلد ترجمه شده است. جلد اول، تحت عنوان *مجموعه گزارشهای سرپرسی کاکس، سرکنسول انگلیس در بوشهر*، در فاصله سالهای ۱۹۱۱ - ۱۹۱۵ م.، به همت مرکز مطالعات بوشهرشناسی در سال ۱۳۷۷ منتشر شد و جلد دوم، تحت عنوان *مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر بین سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۱۵ م.* در سال ۱۳۸۶ منتشر شده است. برخی از

کشور، نیز به حوزه جنوب ایران و خلیج فارس مربوط میشود. وی بیشتر به انتشار اسناد داخلی پرداخته است. *خلیج فارس*، هویت و تاریخ به روایت اسناد، عنوان مجموعه کتابی است که توسط مرکز اسناد ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۱ منتشر شده و اسناد نخست وزیری، جایگاه خلیج فارس را، بویژه در رسانه های شنیداری و دیداری جهان عرب، در گذشته بررسی کرده است.

گزارشهایی که توسط کارگزاران خارجی از جمله انگلیسیها به مرکز فرستاده میشد و اکنون جمع آوری و منتشر شده و یا کارگزاران ایرانی در جنوب به مرکز ارسال کرده اند، در چارچوب همین رهیافت مطالعاتی برشمرده میشوند. مهمترین کتاب جامع مبتنی بر این روش، کتاب *فرهنگ جغرافیایی خلیج فارس*<sup>۱</sup>، اثر لوریم است که مجموعه گزارشهای کارگزاران بریتانیا را در منطقه خلیج فارس از سال ۱۹۰۸ - ۱۹۱۵ م. با تأکید بر ایران در بر میگیرد و هم اکنون در نه جلد منتشر شده است (Lorimier, 1915). ترجمه عربی آن تحت عنوان *دلیل الخلیج* در شانزده جلد در کشور قطر منتشر شده است (۱۹۶۹). مؤلف کتاب، جان گوردون لوریم متولد سال ۱۸۷۰ م.، متوفای هشتم فوریه ۱۹۱۴ م. است.<sup>۲</sup> بخشی از این گزارشها را سیدحسن نبوی از عربی به فارسی ترجمه و بنیاد بوشهرشناسی آن را با عنوان *راهنمای خلیج فارس: تاریخ و جغرافیای استان بوشهر* در سال ۱۳۷۹ منتشر کرده است. بخشی دیگر از آن را نیز عبدالمحمد آیتی با عنوان *وقایع نگاری خلیج فارس: بخش ایران* از متن عربی به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است. تعدادی از این گزارشها را نیز حسن زنگنه، مترجم شهیر بوشهری، بدون حمایت مؤسسه خاصی منتشر کرده است. مهمترین ترجمه وی، *مشروطیت جنوب ایران* است که گزارشهای روزانه بالیوز بریتانیا در بوشهر

1. *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman & Central Arabia*

۲. اصل کتاب دارای سه بخش است. بخش اول کتاب، مباحث تاریخی است که بر حسب موقعیت جغرافیایی کشورها و سرزمینهای کناره خلیج فارس در دوازده باب تدوین شده است. باب اول مربوط به خلیج فارس، بطور عموم است و بابهای بعدی، شامل کشورهای جغرافیای منطقه از عمان تا کویت و عراق، قسمت جنوبی خلیج فارس، بیشتر قسمتهای استان بوشهر، بخش ساحلی استان هرمزگان و سرزمینهای مکران است. بخش دوم، جغرافیایی (جغرافیای اقتصادی، امنیتی، حضور قدرتهای خارجی و مسافتها) و بخش سوم جدولها، نقشهها و شجرهنامهها را در بر میگیرد.

جامعترین کتابهایی که با رویکرد تاریخی- تحلیلی به نگارش درآمده و به جامعه‌شناسی تاریخی نزدیک شده، دو کتابی است که آن را انگلیسیها نوشته‌اند و بارها مورد استفاده محققان ایرانی قرار گرفته است. آثار ویلسون (۱۳۶۶) و جی بی کلی (۱۹۶۸) و سیوری و جی بی کلی (۱۳۷۷) در این شمار قرار میگیرند. در این بین، کتاب *خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن هجدهم*، اثر سیوری و جی بی کلی بسیار محققانه به نگارش درآمده است. برخی از این محققان نقش خود را بعنوان مأمورین عالی‌رتبه دستگاه دیپلماسی استعماری در آثارشان نشان داده و بدون توجه به حقایق تاریخی، درصدد القای مفاهیمی خاص برآمده‌اند. انگلیسیها در این رویکرد از زیرکی و جانبداری خاصی برخوردار بوده‌اند؛ بنوعی که حتی بزرگترین مورخان ایرانی را نیز تحت تأثیر گزارشات خود قرار داده‌اند.<sup>۲</sup> محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران، کتابی با عنوان *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار* تألیف و انتشارات سمت آن را منتشر کرده است. این کتاب با استفاده از اسناد و منابع مستند به نگارش درآمده است؛ این کتاب وقایع خلیج فارس را تا پایان پهلوی اول پوشش میدهد و تحولات بعد از آن را باختصار طرح کرده است. پیروز مجتهدزاده از جمله کسانی است که با رویکرد تاریخی- جغرافیایی آثاری را در این حوزه منتشر کرده است (۱۳۹۱). شیخ سلطان بن محمد القاسمی، حاکم شارجه، در آثاری به نگارش تاریخ خلیج فارس پرداخته است (۱۳۸۳)، (۱۳۸۷) و (۱۹۹۹). وی با رویکردی جدید به تاریخ خلیج فارس پرداخته و سعی کرده بین هویت خلیج فارس قبل و بعد از دهه هفتاد

۲. یک نمونه از این گزارشهای یک‌جانبه مربوط به حمله امام قلی خان، والی فارس، در حمله به هرموز بود. پیروزی سپاه ایران در این جنگ حتمی بنظر میرسید و نیازی به کمک‌گرفتن از بیگانگان نبود. رویدادهای بعد، این موضوع را تأیید کرد و بر تصمیم‌گیری اشتباه امام قلی خان صحنه گذاشت. والی فارس در این میان، گرفتار سیاست زیرکانه مونوکس و قربانی ناآگاهی خود از شرایط شد و بعدها تلاش خود را برای جبران بکار برد؛ اما سیر حوادث نشان داد که او قادر به بازگرداندن کامل پیروزی به سود ایران نیست و افتخار پیروزی در این نبرد، بین ایران و انگلیس تقسیم شد. زیرکی و هوشیاری انگلیسیها باعث شد که این واقعت انکارناپذیر تاریخی و اشتباه فاحش امام قلی خان، هرگز مورد بررسی دقیق تاریخی قرار نگیرد و حتی مورخان بزرگی همچون نصرالله فلسفی، اقبال و قائم مقامی نیز روایت انگلیسی این رویداد را در نوشته‌های خود ثبت کنند و تحت تأثیر اخبار و روایت‌های جانبدارانه لوریمر، ویلسون (۱۹۵۹)، مایلز (۱۹۶۶) و گزارشهای یک‌طرفه مأمورین کمپانی از نقش حیاتی انگلیسیها در این نبردها یاد کنند، بدون اینکه دیگر گزارشها و از جمله نوشته‌های بومی و محلی را بدقت مورد بررسی قرار دهند (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۵۸).

کتب یاد شده را ماجراجویان غربی در قالب *سفرنامه* از جمله *سفرنامه سایکس (ده هزار مایل در ایران یا داستان هشت سال اقامت در ایران، ۱۳۶۳)* نگاشته‌اند. بخشی از این نوع ادبیات نیز در قالب تک‌نگاریهایی در خصوص ایران یا کشورهای خلیج فارس یا اقوام و مناطقی از این کشورهاست.

### محققان ایرانی

محققان بزرگ ایرانی که نوشته‌های خود را مبتنی بر اسناد، منتشر کرده یا در پی جمع‌آوری و ترجمه و تحلیل آنها بوده‌اند، عبارتند از: غلامعلی بایندر، حسینعلی رزم آراء، اسمائیل رائین<sup>۱</sup>، فریدون آدمیت، احمد اقتداری، احمد و حسن فرامرزی، اصغر جعفری ولدانی، کاوه بیات و حسن زنگنه، محمدعلی بهمنی قاجار، پیروز مجتهدزاده و محمدباقر وثوقی. بایندر و رزم آراء بر دیگران تقدم و برتری دارند. کتاب *خلیج فارس* بایندر یادآور توجه جدید ایرانیان به خلیج فارس با تشکیل نیروی دریایی است که در سال ۱۳۱۷ نوشته شده و بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار در سال ۱۳۸۸ آن را تجدید چاپ کرده است. با وجودی که این کتاب بعد از کتاب *سیدالسلطنه بندرعباسی* که در سال ۱۳۰۸ ه.ش در تهران چاپ شد و کتاب *خلیج فارس* سر آرنولد ویلسون که در سال ۱۳۱۰ ه.ش به سفارش نشریه قشون توسط محمد سعیدی ترجمه و چاپ شد، انتشار یافت؛ ولی جامعترین کتابی بود که در آن دو بخش متن و نقشه‌های خلیج فارس منتشر میشد. رزم آراء نیز مجموعه ده جلدی *فرهنگ جغرافیایی ایران* را به رشته تحریر درآورده است. نوشتارهای بایندر، رزم آراء و رائین و آدمیت، بیشتر متأثر از فضای سیاسی تحولات بحرین در دوره پهلوی اول و کشمکش ایران و بریتانیا در جامعه ملل به سمت خلیج فارس حرکت کرد. آثار تاریخی اصغر جعفری ولدانی، محمدعلی بهمنی قاجار (۱۳۹۰) و پیروز مجتهدزاده ناشی از تحولات جزایر سه‌گانه بوده و نوشته‌های وثوقی بیشتر متأثر از جایگاه و تاریخ خلیج فارس بوده است.

۱. اسمائیل رائین و فریدون آدمیت، نخستین تلاشها را برای مطالعه خلیج فارس مبتنی بر اسناد شکل دادند. حاصل تلاش آنان کتاب *نقیس دریانوردی ایرانیان* (رائین، ۱۳۵۶) در دو جلد و کتاب *جزایر بحرین* (Adamiyat, 1955) به زبان انگلیسی بود که خلیج فارس را مبتنی بر اسناد، مورد مطالعه قرار دادند. کتاب *جزایر بحرین*، اخیراً به فارسی ترجمه شده است.

در حقیقت فرماندار کل و دارای اختیارات کامل خلیج فارس بود و به گفته دنیس رایس این نمایندگی سیاسی، بدلیل گستردگی حوزه مأموریتش، لقب «سلطان بی تاج و تخت بریتانیا» را یدک میکشید:

بالیوگری بریتانیا در بوشهر بر کلیه شیخ نشینهای جنوب خلیج فارس و حتی بر تمامی کنسولگریهای انگلیس در فارس، خوزستان و شهرهای ساحلی کرانه شمالی خلیج فارس از بوشهر تا چاهبهار نظارت داشت و موظف بود هرگونه خبر و اطلاعی را بطور کتبی به تهران، لندن و هند گزارش دهد (زنگنه، ۱۳۸۶: ۱۰).

در کویت و مصر، در بین کشورهای عربی، آثار زیادی در خصوص خلیج فارس با نگاه ایدئولوژیک و رویکرد تاریخی منتشر شده و هم اکنون قطر نیز با تأسیس برخی اندیشکدههای غربی در دوحه برای انتشار آثاری آکادمیک در این حوزه گامهای مؤثری برداشته است (۲۰۰۹). سهم قطر بیشتر در ترجمه متون کلاسیک (لوریمر، ۱۹۶۷ و ۱۹۶۹) و غربی این حوزه به عربی است.

#### رویکرد فرهنگ سیاسی

رهیافت دوم در مطالعات خلیج فارس رویکرد فرهنگی یا بطور خاص فرهنگ سیاسی است. این موضوع که بر ادبیات توسعه در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م. سیطره داشت، به بحث در خصوص عوامل عدم توسعه یافتگی کشورهای جهان سوم پرداخته و براین مبنا در چارچوب مکتب نوسازی در کنار موانع طبیعی، تاریخ جامعه، وجود شکافهای اجتماعی و ساخت سیاسی بیشتر بر موانع فرهنگی توسعه تأکید دارند. سخن مشترک این گروه آن است که یک فرهنگ خاص، دارای راههای مشترک و متمایز و خاص خود برای نگاه به واقعیت و تنظیم مسیرهای کنشهای اجتماعی است (محمدی، ۱۳۷۱: ۲۹). فرهنگ سیاسی در یک تعریف، عبارت از انباشتی تاریخی از ارزشها و سنتهایی است که جهت گیری جامعه نسبت به اقتدار سیاسی و کارکرد نهاد دولت و آگاهی آنها از فرایندهای تأثیرگذاری بر تصمیم گیریهای سیاسی را تعیین میکند (Almond & Verba, 1963). اولین بار گابریل

میلاودی تفاوت قائل شود (القاسمی، ۱۳۸۳). نوشته های او نسبت به دیگر مؤلفان عرب از انصاف بیشتری برخوردار است.

کتب مربوط به تاریخ منطقه یی نیز این رویکرد را دارند. *فارسنامه ناصری*، نوشته میرزا حسن حسینی فسایی را میتوان یکی از مهمترین این کتابها بشمار آورد (۱۳۶۷). نویسنده در این کتاب ضمن اینکه به بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی فارس تاریخی پرداخته، جغرافیای این منطقه و نقشه ها و فاصله شهرها و قصبات آن را نیز معرفی کرده است. همچنین در مورد تاریخ منطقه یی خلیج فارس، مؤسسه جغرافیایی سحاب، به انتشار نقشه های جغرافیایی خلیج فارس پرداخته است. وزارت امور خارجه نیز آثار زیادی بصورت کتاب سبز و یا مسائل تاریخی خلیج فارس منتشر کرده است. احمد اقتداری و احمد و حسن فرامرزی نیز با این رویکرد، آثار زیادی در حوزه خلیج فارس نوشته اند. کتبی نیز با رویکرد تاریخی-اقتصادی منتشر شده که میتوان به کتاب *گمرک بوشهر و نقش آن در تجارت خلیج فارس در دوره قاجار* (۱۳۸۹)، اثر حبیب الله سعیدی نیا و کتاب *علل و عوامل جابجایی کانونهای تجاری خلیج فارس* اثر محمد باقر وثوقی و *خلیج فارس و بوشهر* اثر عبدالکریم مشایخی (۱۳۸۶) اشاره کرد. برخی از این کتب به توصیف تاریخ و معرفی قبایل و مردم این منطقه پرداخته اند. در برخی از این آثار، کوهها و منابع طبیعی، مرزها و نقشه های خلیج فارس بررسی شده و در تعدادی دیگر، تاریخ سیاسی این منطقه مورد توجه قرار داده شده اند.

شناخت این رویکرد برای تحلیل موضوعات مهم در خلیج فارس ضروری است و در واقع مقدمه ورود به سایر رویکردهاست. پیامد کاربست این رویکرد کسب اطلاع از سرگذشت تاریخی و جغرافیایی خلیج فارس به روش توصیفی است. در عین حال فقدان تحلیل و رویکرد تبیینی باعث شد که انبوهی از داده ها بدون نتیجه گیری خاصی در کتب مبتنی بر این روش آورده شوند. بنابراین بجز برخی کتب تألیف شده توسط محققان خارجی و داخلی، بیشتر آثار مبتنی بر این روش، فاقد ویژگیهای روش تاریخ نگاری جدید هستند. توزیع جغرافیایی کتب خلیج فارس با رویکرد تاریخی بیشتر متعلق به بوشهر و فارس است. از آنجا که نمایندگی بریتانیا در بوشهر

۱. تاریخ ترجمه کتاب لوریمر به عربی سال ۱۹۶۹ م. است؛ ولی برخی منابع آن را سال ۱۹۶۷ م. نیز آورده اند.

بعبارتی توضیحی ساده برای مسائل پیچیده است. از نظر این رهیافت، هر کشوری که امید به توسعه دارد، چاره‌ی جز نقل مکان به غرب ندارد و بدون شک جزئی از جهان غرب بودن یا در حاشیه یا پیرامون آن بودن یک امتیاز سیاسی است. این به معنای آن است که فرهنگ یک تقدیر است. ویژگی دیگر این کتب «ذم شبیه به مدح» است. نویسندگان این رویکرد در ابتدا از تحسین مردم مورد مطالعه سخن می‌گویند؛ ولی بیشترین نکوهشها را در خصوص آنها بکار می‌برند. فرید زکریا در نقد این رویکرد معتقد است:

این استدلال فعلاً اندیشه‌ی باب روز است. افراد زیادی از مشاوران تجاری گرفته تا استراتژیهای نظامی از فرهنگ چنان سخن می‌گویند که گویی فرهنگ توضیح ساده‌ی است، برای اکثر مسائل پیچیده. چرا اقتصاد آمریکا طی دو دهه‌ی گذشته رونق حیرت‌انگیزی داشت؟ روشن است؛ بدلیل فرهنگ کارآفرین بی‌نظیر. چرا روسیه نمیتواند خودش را با سرمایه‌داری سازگار کند؟ باز هم روشن است؛ بدلیل فرهنگ فئودالی و ضد بازاری. چرا دنیای عرب تروریست می‌پروراند؟ باز هم بدلیل فرهنگ (زکریا، ۱۳۸۵: ۵۵ و ۵۶). این پاسخها بسیار ساده‌انگارانه است. یک کشور واحد میتواند در زمانهای متفاوت، گاهی در فاصله‌ی چند دهه، موفق شود و سپس شکست بخورد که نشان می‌دهد، عامل دیگری هم غیر از فرهنگ که نسبتاً ثابت است، در کار است. وبر در مطالعاتش موفقیت اقتصادی شمال اروپا را به اخلاق پروتستانی ربط میداد و پیش‌بینی میکرد که جنوب کاتولیک، فقیر باقی خواهد ماند؛ اما در واقع ایتالیا و فرانسه طی نیم قرن گذشته، سریعتر از اروپای پروتستانی رشد کرده‌اند (همان: ۵۸ - ۵۹).

رهیافت فرهنگ سیاسی از اواسط قرن نوزدهم تا دهه‌ی هفتاد قرن بیستم میلادی، به مطالعه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس پرداخت. این رهیافت، ادبیات زیادی را در این مقطع تولید کرد و رویکرد مطالعاتی خاصی را در این زمینه پیش برد. علت ورود آن، یافتن راهی برای توسعه‌ی منطقه و هدایت آنها به سمت غرب‌گرایی بود. این ادبیات، بویژه در نیمه‌ی نخست قرن بیستم، تجویز توسعه‌یافتگی برای جهان سوم بود. روش‌شناسی آن کیفی، تحلیلی و قیاسی است. برعکس رویکرد تاریخی از چارچوب تحلیلی برخوردار است و همچنین

آلموند و سیدنی وربا با بررسی پنج کشور انگلستان، آلمان، آمریکا، ایتالیا و مکزیک به این نتیجه رسیدند که علت عمده‌ی توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم به مسائل روانی، تاریخی و فرهنگی مربوط است.

مطالعات فرهنگ سیاسی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، بتدریج به سطحی از گستردگی رسید که یک پارادایم را شکل داد. لوسین پای میگوید که رفتار سیاسی چنان در قریحه بومی یک ملت ریشه دارد و چنان سنتی را تشکیل میدهد که در برابر نیروهای سیاسی و اقتصادی زندگی نوین که همه چیز را با خود همسو میکند، ایستادگی میکند (Pye & Verba, 1985: 8). رونالد چیلکوت در کتاب *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ی* (۱۳۹۳)، رویکرد فرهنگ سیاسی را در کنار رویکرد سیستمی، کارکردگرایی ساختاری و مارکسیستی از جمله رهیافتهای مهم شناخت پدیده‌ها و رابطه‌ی بین متغیرها نام برده است. این رهیافت تأکید بر ساختار در علیت پدیده‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد. تا قبل از ظهور نظریه‌ی انتخاب عقلایی، بعنوان یک رهیافت کارگزار محور، محور اکثر رهیافتهای علوم اجتماعی ساختار محور بود. بعنوان نمونه، میتوان به تسلط سه نظریه‌ی جامعه‌شناختی، فرهنگ و شخصیت و روانشناختی اجتماعی در علوم اجتماعی اشاره کرد. دور کهایم، وبر و پاره‌ای تو از چهره‌های سرشناس نظریه جامعه‌شناختی هستند. مید، بندیکت و لاسول از چهره‌های شاخص نظریه فرهنگ و شخصیت هستند و بالاخره استوفر و لازرسفلد از نظریه‌پردازان بارز روان‌شناختی اجتماعی محسوب میشوند؛ اما با ظهور نظریه‌ی انتخاب عقلایی که از اقتصاد بعاریت گرفته شده بود، توجه به کارگزار افزایش یافت (حاجی یوسفی، 1384: 102 بنقل از: Almond, 1990, chapter 4).

در این رهیافت، نوعی ذات‌گرایی مستتر است. بنابراین نوعی نژادپرستی مبنی بر ارزشهای غرب و تحقیر شرقی را میتوان در آن ردیابی کرد. ویژگی دیگر این نوع رهیافت را میتوان جبرگرایی یا دترمینیسم دانست؛ بنحوی که بر تعیین‌کنندگی جبری متغیر فرهنگی تأکید دارند و سایر متغیرها را در نظر نمیگیرند. این رهیافت، نوعی کل‌گرایی را تجویز میکند که میتوان آن را بر همه چیز تحمیل کرد یا



پاسخ تضاد و نتایج آن را در این منطقه، با رویکرد فرهنگی توضیح دهد. این کتابها شرحی بر ایدئولوژیها، محرکهای فرهنگی و سازه‌های هویتی هستند که روابط را در سه دهه گذشته در خلیج فارس شکل داده‌اند (Abedin\_Mogh, adam, 2006). مهران کامروا در کتاب *سیاست در جهان سوم* (Kamreva, 1993)، خاورمیانه از جمله خلیج فارس را از زاویه نظامهای نئوپاتریمونیالیسم<sup>۴</sup> و جیمز بیل و اسپرینبورگ در کتاب *سیاست در خاورمیانه* سیاست را بیشتر از بعد اجتماعی مورد مطالعه قرار داده‌اند. کتاب اخیر به تحلیل نظامها و فرایند در سیاست خاورمیانه پرداخته و نقش قشریندهای اجتماعی، قدرت و توسعه را برجسته میسازد. جامعه مدنی، الگوهای رهبری، احیای اسلام، زنان و غیره، مهمترین مباحث این کتاب را شکل می‌دهند (Bill & Spring, borg, 1980). این نوع کتابها بیشتر بعد اجتماعی سیاست را در خاورمیانه بررسی کرده و از الگوی کلیشه‌ی فرهنگی سیاسی فاصله گرفته‌اند.

دیگر کتابهای منتشر شده در این رهیافت، *خاطرات برخی دیپلماتهای غربی در خلیج فارس از جمله خاطرات لورنس عربستان* (۱۳۶۹) و *جیمز موریه حاجی بابای اصفهانی* (۱۳۹۰) در ایران است. هر دو بعنوان دیپلمات در شرق و خلیج فارس فعالیت کرده‌اند. آنها مانع توسعه در این منطقه را فرهنگ سنتی حاکم بر آن میدانند و به تحقیر این فرهنگ می‌پردازند.<sup>۵</sup> بیشتر نویسندگان غربی که در خصوص خلیج فارس قلم‌فرسایی کرده، به این دو کتاب رجوع نموده‌اند. این روش مطالعه، مسلطترین روش در مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ایران نیز بوده است. یکی از شرق‌شناسان مهم در این حوزه، ماروین زونیس است. فرضیه اصلی کتاب وی، با عنوان *نخبگان سیاسی در ایران*<sup>۶</sup>، آن است که رفتارها و ایستارهای افراد قدرتمند در جوامعی که در آنها فرایند سیاسی در درون یکسری ساختارهای رسمی دولتی نهادینه نشده‌اند، هدایت‌کننده تغییرات سیاسی است. در این جوامع روح و روان انسانها با شخصیت آنها اهمیت دارد

در تفاوت با رویکرد تاریخی که فقط در گذشته سیر میکرد، به زمان حال نیز نزدیک میشود. بیشتر جامعه‌شناسان و محققان علوم سیاسی در داخل و خارج از این رویکرد در شناخت خلیج فارس بهره گرفته‌اند.

این رهیافت تقلیل‌گرا و جبرگرا است؛ چرا که علل توسعه‌نیافتگی خلیج فارس و خاورمیانه را به فرهنگ تقلیل میدهد. در این رهیافت قوم عرب و ایرانیان، دارای فرهنگ تبعی بوده و تنبل و ناآگاه معرفی میشوند و فرهنگ آنها با ریشخندی تند، توأم است. ادبیات مبتنی بر فرهنگ سیاسی در خاورمیانه، بویژه خلیج فارس، بیشتر در کتب تحلیلی محققان داخلی و خارجی و برخی سفرنامه‌نویسان دیده میشود. گراهام فولر در کتاب مهم خود با عنوان *قبله عالم: ژئوپولیتیک ایران* (۱۳۷۷) از این رهیافت، برای بررسی سیاست خارجی ایران با کشورهای خلیج فارس بهره برده است.

فولر، فصل نخست کتاب خود را با تبیین فرهنگی سیاست خارجی ایران و یافتن گزاره‌های فرهنگی برای رفتارهای سیاست خارجی ایران بکار میبرد. وی در این تبیین، گزاره‌هایی مانند بی‌اعتمادی، فردگرایی، ادعای سرکردگی و بلندپروازی را برای فهم فرهنگ سیاسی ایران بکار میبرد تا سیاست خارجی ایران در خلیج فارس و تأکید ایرانیان بر فارس بودن آن را تبیین کند.<sup>۱</sup> فولر سیاست خارجی عربستان را بر مبنای محافظه‌کاری تاریخی تبیین و بیشتر خاورمیانه و خلیج فارس را بر مبنای ژئوکالچر تحلیل میکند. مجموعه مقالاتی نیز در سال ۱۹۹۴ م، تحت عنوان *فرهنگ سیاسی و دموکراسی در جوامع در حال توسعه در لندن* منتشر شده است. این مجموعه مقالات که منبع بیشتر نویسندگان این رهیافت در خاورمیانه و خلیج فارس بوده، به تأثیر فرهنگ سیاسی بر جوامع خاورمیانه در چارچوب پاتریمونیالیسم<sup>۲</sup>، کلاینتالیسم<sup>۳</sup> و حاکمیت فرهنگ سنتی می‌پردازد (Diamond, 1994). عابدین مقدم در کتابی با عنوان *سیاست بین‌المللی خلیج فارس (تبارشناسی فرهنگی)* سعی کرده

۴. مکانیزمهای نوین مشروعیت، شامل سلطانیسم، کلاینتالیسم و کورپوراتیسم

۵. این دو کتاب هر دو بصورت فیلمنامه درآمدند؛ اولی به نمایش درآمد و دومی بنا بدلیلی، نمایش آن متوقف شد.

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: عباسی، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ۲۰-۲۳

2. Patrimonialism

3. Clientalism

دولتها به امنیت، بویژه امنیتی‌شدن فضا بعد از جنگ سرد، این رویکرد یکی از قویترین رویکردها در مطالعات سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی شد. قدرت، رقابت، بازدارندگی و بازی با حاصل جمع جبری صفر، این ادبیات را شکل میداد. این رویکرد بیشتر از سایر رویکردها بر داده‌ها تأکید دارد. روش آن استقرایی و کمی و کارگزارمحور است. نظریاتی مانند واقع‌گرایی ساختاری، ثبات هژمونیک، نظریه شبکه و غیره در چارچوب این رویکرد شکل گرفته‌اند.

گسترش جنگ سرد به خاورمیانه، تأکید غرب بر امنیت اسرائیل، رقابت هسته‌یی در خاورمیانه و خلیج فارس و بحران انرژی ناشی از تحریم اعراب و تصمیم اوپک بر افزایش قیمت نفت و سرانجام در اواخر این دهه، پیروزی انقلاب اسلامی، مطالعات را به سمت امنیت، ایجاد بازدارندگی و حفظ بقا پیش برد.

در دوران جنگ سرد، اولاً، سیاست آمریکا در خصوص این منطقه بطور چشمگیری بر مبنای رقابت دو قطب با اتحاد شوروی قرار داشت (که آن سیاست در نتیجه منافع استراتژیک بر ثبات رژیمها در میان متحدانش بود)؛ دوماً، این سیاست بر مبنای منافع نفتی و بعد از نیمه دوم جنگ سرد بر مبنای نگرانی برای امنیت اسرائیل شکل میگرفت (هنسن و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

ادبیات مبتنی بر این رویکرد در خصوص خلیج فارس توسط محققان و روزنامه‌نگاران تولید شده است؛ اما بیشترین ادبیات آن را مؤسسات پژوهشی شکل داده‌اند و در قالب طرحهای پژوهشی است که سفارش‌دهنده آن دولتهای منطقه و مؤسسات امنیتی آنها بوده‌اند. همایشهای ملی و بین‌المللی خلیج فارس نیز بیشتر در این چارچوب برگزار شده است. یکی از نویسندگانی که در چارچوب این رهیافت مطالعات خود را در خاورمیانه، بویژه خلیج فارس، متمرکز کرده فرد هالیدی است. علاوه بر مقالات، مهمترین کتاب وی، *خاورمیانه در روابط بین‌الملل (قدرت، سیاست و ایدئولوژی)* (۲۰۰۵) است. مداخلات خارجی، جنگ بین دولتها، اغتشاشات سیاسی، بررسی خشونت‌های قومی و رابطه ملت و مذهب، مهمترین

(Zonis, 1971). وی این فرضیه را در خاورمیانه، در مقاله فکر (فرضیه) توطئه در خاورمیانه، در *فصلنامه روان‌شناسی سیاسی* بررسی کرده است (Ibid, 1994). برخی دیگر از کتابها و مقالاتی که در چارچوب این رهیافت منتشر شده‌اند، فقط به قومیتها، فرهنگ و تحولات اجتماعی خلیج فارس پرداخته و توصیفی از این وضعیت ارائه کرده‌اند و جهت‌گیری خاصی ندارند.

پیامدهای این رهیافت مطالعاتی، نوعی خودکم‌بینی در نخبگان این کشورها و نژادپرستی در محققان این حوزه بود؛ در عین حال باعث تشدید نزاع سنت و تجدد در این کشورها میشد و این شکاف، اجازه توسعه یافتگی را به این منطقه نمیداد. از آنجا که در این رهیافت، نوعی ذات‌گرایی مستتر است، بر این مبنا منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، بعنوان یک منطقه خودی، باید توسط غرب هدایت شوند. باید گفت، این رهیافت تا حدودی، خاورمیانه و خلیج فارس را در عقب‌ماندگی نگه داشت؛ زیرا که راه حل مناسبی برای خروج از مدار توسعه یافتگی ارائه نمیداد. جبرگرایی و تقلیل‌گرایی این رویکرد، باعث شد که دیگر علل توسعه نیافتگی، در خلیج فارس دیده نشود. همچنین روش قیاسی آن موجب شد که محققان این حوزه بدون داده‌های عینی به قالب‌بندی این منطقه دست بزنند؛ چون فرهنگ، توضیحی ساده برای مسائل پیچیده است. در چارچوب این فرهنگ بود که اجازه استقلال به کشورها داده شد؛ ولی نخبگانی وابسته، ساختار سیاسی را بدست گرفتند و به تجویز دستورات غربی در مسیر توسعه یافتگی دست زدند که نتیجه آن انباشت توسعه نیافتگی یا مواجهه با انقلابهای گوناگون بود.

### رویکرد امنیتی

رهیافت دیگری که از دهه ۱۹۷۰م، بویژه بعد از جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۷۳م)، در تولید ادبیات خلیج فارس از دیگر رهیافتهای پیشی گرفت، رویکرد امنیتی بود. رویکرد امنیتی و مطالعات آن، مبتنی بر مکاتب مختلفی است. مکتب انگلیسی، مکتب آمریکایی، مکتب شیکاگو و مکتب کپنهاگ در این خصوص شکل گرفته که در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی، مطالعات امنیتی را شکل میدهند. بعلت نیاز

آن به «قدرت زیرکانه» تعبیر میکند - ادامه یابد، شاهد تثبیت قدرت منطقه‌ی قطر خواهیم بود. کامروا در این پژوهش ضمن بررسی موفقیت‌های قطر در سایه سیاست زیرکانه این کشور، به واقعیت‌هایی چون تبعیض اجتماعی، نظام دیکتاتوری و وضعیت ژئوپولیتیک میپردازد. فرهاد قاسمی و سید جواد صالحی در کتابی تحت عنوان نگرشی تئوریک بر خلیج فارس و مسائل آن سعی کرده‌اند، در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی و با رویکرد ژئوپولیتیک، رویکرد شبکه و «سایبرنتیک»<sup>۲</sup> و سیستم تابعه، به بررسی الگوهای نظم در خلیج فارس بپردازند. این نوشته، تنها نوشته‌ی است که توانسته به آزمون تئوریهای کلان و منطقه‌ی در تاریخ خلیج فارس که بر قدرت و امنیت تکیه میکنند، بپردازد (قاسمی و صالحی، ۱۳۸۷). کتاب *سیاست بین‌المللی در خلیج فارس* نوشته آرشین ادیب مقدم را نشر شیرازه، در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده است. این کتاب به نقد مطالعات رایج در مباحث امنیتی خلیج فارس پرداخته و با رویکردی فرهنگی از نظر مکاتب انتقادی، مباحث جدیدی را در خلیج فارس بررسی میکند. همچنین این کتاب، ضمن اینکه به رویکردهای فرهنگی در مطالعات خلیج فارس اشاره میکند، به مسائل راهبردی آن نیز توجه دارد و هر دو حوزه فرهنگی و راهبردی ستیز و آناشسی را به هم پیوند میزند.

در ایران انجمن ژئوپولیتیک و فصلنامه آن و مؤسسه بین‌المللی ابرار معاصر، مقالات مختلفی را در این حوزه منتشر کرده‌اند. پیروز مجتهدزاده (۱۳۷۲ و ۱۳۸۰) و محمدرضا حافظنیا نیز کتب و مقالات مختلفی را در این حوزه منتشر کرده‌اند. همایون الهی نیز در کتاب *خلیج فارس و مسائل آن* از این زاویه به بررسی مسائل سیاسی و اقتصادی در خلیج فارس پرداخته است. جعفری ولدانی (۱۳۷۴)، ابراهیم‌متقی و فرهاد قاسمی در داخل کشور و شهرام چوبین و انوشیروان احتشامی (۱۳۸۳) نیز در خارج از کشور بر این اساس کتاب نوشته‌اند. بیشتر مؤسسات و مراکز پژوهشی در ایران،

موضوعات این کتاب هستند. آنتونی کردزمن در کتابها، مقالات و مؤسسه خود<sup>۱</sup> از این رهیافت در مطالعه خلیج فارس بهره برده است. یکی از مهمترین کتابهای وی *تحولات انرژی در خاورمیانه* است (Cordesman, 2004). این کتاب بطور ناقص با اضافاتی توسط مؤسسه تدبیر اقتصاد، به فارسی ترجمه شده است (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۹). کردزمن در این کتاب سعی کرده که انرژی، وقفه‌های انرژی، گذرگاه‌های انرژی و اهمیت خلیج فارس را بررسی کند. از وی مقالات و اطلاعات آماری زیادی در مورد حوزه‌های نظامی کشورهای خلیج فارس منتشر شده که مورد استناد و استفاده مؤسسات تحقیقاتی مختلفی قرار گرفته است. خانم شیرین هانتر در کتاب *وزین خود، سیاست خارجی ایران بعد از فروپاشی شوروی* (۱۳۹۲) از منظر ژئوپولیتیک به موضوع پرداخته است. *سیاست بین‌المللی خلیج فارس*، عنوان مجموعه مقالاتی است که توسط مهران کامروا ویراستاری شده است (Kamreva, 2006). در این کتاب خلیج فارس در صف نخست چالشهای جدید برای صلح و امنیت بین‌المللی قرار دارد. تأثیر ذخایر گاز و نفت طبیعی این منطقه بر سیاست بین‌الملل، رقابت ایران و عربستان و رابطه بین اسلام و سیاست و ماهیت روابط این کشورها از جمله موضوعات این کتاب است.

دولت قطر با همین رویکرد، کتابی با عنوان *دولت کوچک: سیاستهای بزرگ*، به قلم نویسنده ایرانی، مهران کامروا به زبان انگلیسی (۲۰۱۲) منتشر کرده است. این پژوهش به بررسی وضعیت کنونی قطر در شش بخش پرداخته است. نویسنده پس از بررسی وضعیت ژئوپولیتیک قطر در کنار ارزیابی جایگاه این کشور بر اساس نظریات روابط بین‌الملل به این نتیجه میرسد که قطر در عرصه سیاست خارجی و تصمیم‌سازی سیاسی به نوع جدیدی از قدرت دست یافته است. این قدرت، مقدمات ارتقای این کشور را در منطقه فراهم آورده و این کشور را از جایگاه یک قدرت ذره‌یی به یک قدرت منطقه‌یی تبدیل کرده است. وی اشاره میکند که هرچند ثبات و پایداری این وضعیت، به نگاهی بلندمدت وابستگی دارد، با وجود این اگر سیاست مذکور - که وی از

۲. Subtle Power، به معنی قدرت زیرکانه (ظریف)، اصطلاحی است که کامروا در کتاب خود برای دولت قطر بکار میبرد. او معتقد است جهان شاهد تجربه شکل جدیدی از قدرت در کنار قدرت نرم و سخت است. یک نوع قدرت کمتر آشکار و بیشتر مبتنی بر بصیرت که ریشه در ترکیب فرصت‌های پیش آمده و سیاست‌گذاری‌های حساب شده دارد و تأثیر یک کشور را بر کشور دیگر افزایش میدهد (Kamreva, 2012:3).

رویکرد اقتصاد سیاسی است. این رهیافت، در چارچوب نفت و انرژی ادبیات زیادی در خلیج فارس تولید کرده و قبلاً در چارچوب نظریات خاصی، مانند نظریه نظام جهانی، نظریات نئومارکسیستی وابستگی، نظریات محافظه‌کاری و نومحافظه‌کاری که از بازار آزاد حمایت میکنند، کاربرد داشته است. اخیراً نیز رهیافت نهادگرایی و نهادگرایی جدید بر مبنای این رویکرد شکل گرفته است. در مقابل نظریات فرهنگ سیاسی که بیشتر ساختارگرا و کیفی هستند، این نظریات کمی، بیشتر کارگزارمحور، کاربردی و دگرگون‌کننده هستند. همچنین این نظریات در مقام کشف هستند تا تفسیر و از استقرار کمک میگیرند. آقا و خانم جکسون در مطالعات خود این رهیافت را بعنوان رهیافتی مستقل در کنار رهیافت سیستمی، ساختاری - کارکردی، سنتی- تاریخی و نظریه عمومی یاد کرده‌اند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

در تحلیل اقتصاد سیاسی به دو حوزه اقتصاد داخلی و اقتصاد بین‌المللی اشاره میشود. در کل میتوان سه رویکرد را در اقتصاد سیاسی داخلی تشخیص داد:

در رویکرد اول، بر تصمیمهای عمومی<sup>۱</sup> تمرکز میشود که طی آن منابع به درون جوامع تخصیص می‌یابد. بر این اساس منابع چون دارای پیامدهای سیاسی هستند، مورد توجه قرار میگیرند؛

در رویکرد دوم، بر طبقات اجتماعی، شیوه‌های تولید و مناسبات اجتماعی تولید تأکید شده و سعی میشود به این پرسش پاسخ داده شود که چرا در برخی جوامع بعضی طبقات، مانند بورژوازی که در توسعه اقتصادی و سیاسی جوامع غربی نقش داشتند، رشد نکرده‌اند؟

در رویکرد سوم که در چارچوب روش تحلیل اقتصاد سیاسی قرار میگیرد، ماهیت دولت مورد بررسی قرار گرفته و به این پرسش پاسخ داده میشود که چگونه ماهیت دولت، بویژه ماهیت طبقاتی آن و شکل و نحوه مناسباتش با نیروهای

کشورهای همجوار و حتی در کشورهای غربی با این هدف و منطبق بر این رهیافت، مطالعات خود را شکل داده‌اند. همایشهای ملی و بین‌المللی متعددی نیز تاکنون در منطقه و کشور برگزار شده که بیشتر موضوعات آنها امنیتی بوده است. در این مورد، همایشی با عنوان «خلیج فارس، عسلویه و امنیت»، با همکاری مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس دانشگاه شیراز در سال ۱۳۹۴ در عسلویه برگزار شد که در آن خلیج فارس از زاویه امنیت حقوقی، معماری و امنیت انرژی مورد بررسی قرار گرفت (عباسی، ۱۳۹۴).

«مرکز الخلیج للبحاث» در دبی و مرکز «القضایا للدراسات الاستراتيجية» در ریاض بیشتر رویکرد امنیتی در مطالعات خلیج فارس دارند (مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس، ۱۳۹۵).

رهیافت پیش‌گفته‌شده، ادبیات زیادی برای امنیت کشورها و انرژی تولید کرد. همچنین باید گفت که این رهیافت، بیش از دو دهه نگاه‌های امنیتی، نزاعها و معمای امنیت را در خاورمیانه و خلیج فارس افزایش داد و زمینه را برای ایجاد طولانی‌ترین جنگ منطقه‌یی در خلیج فارس (جنگ تحمیلی علیه ایران) فراهم آورد و رقابت تسلیحاتی بین کشورهای منطقه ایجاد کرد. رهیافت امنیتی، بویژه با شکل‌گیری مکتبهای مختلف مطالعاتی آن و بی‌ثباتیها در خاورمیانه و خلیج فارس، بیش از سه دهه این منطقه را به سمت رقابت نظامی سوق داد. با حاکم شدن گفتمان و معمای امنیتی در خلیج فارس، کشورها دستور کار امنیتی را حتی در مبادلات تجاری مد نظر داشتند. این ادبیات، بجای گسترش همکاری، به رقابت کشورهای خلیج فارس منجر و بودجه نظامی آنها را بالا برد. مطالعات اخیر، بویژه در حوزه پایان‌نامه‌های دانشگاهی مبتنی بر مکتب کپنهاگ تا حدودی توانسته است، مطالعات بهتری ارائه داده و نقایص مطالعات قبلی را بر طرف کند.

### رویکرد اقتصاد سیاسی

از جمله دیگر چارچوبهای تحلیلی که بیش از یک دهه است، کاربرد آن در مطالعه خلیج فارس، پربسامد شده،

جنسیت، اقتصاد سیاسی کار و مهاجرت را در کشورهای منطقه مطرح کرده و ادبیات خاصی را شکل داده است.

ادبیات مبتنی بر این رویکرد توسط مؤسسات پژوهشی و برخی محققان شکل گرفته است. نخستین مطالعات در این حوزه را چودری در مقاله‌ی با نام *خاورمیانه و اقتصاد سیاسی توسعه* (Chaudhry, 1994) و در کتاب *ارزش ثروت: اقتصادها و نهادهای خاورمیانه* (Ibid, 1997) با رویکرد جدید نهادگرایی با تأکید بر یمن و عربستان سعودی در حوزه خلیج فارس وارد کرد. اولین بار بانک جهانی در همایشی در لندن به تغییر نگاه در خاورمیانه و تبیین رویکرد اقتصاد سیاسی در این حوزه پرداخت که نتیجه آن کتاب *دولت و تحول جهانی: اقتصاد سیاسی گذار در خاورمیانه* (۱۳۸۴) بود. در این مجموعه مقالات به تبیین چگونگی حضور دولت در توسعه خاورمیانه پرداخته شده است. در چارچوب این رهیافت، مهمترین کتابی که در این زمینه به نگارش درآمده است، کتاب *اقتصاد سیاسی همکاریهای منطقه‌ی در خاورمیانه* (۱۹۹۸) نوشته سه نویسنده ترک است. در این کتاب به موانع همکاریهای اقتصادی در خاورمیانه و نقشه اقتصادی خاورمیانه پرداخته شده است. در این کتاب نویسندگان، در تلاشند که جایگاه ترکیه را با استفاده از نظریه «بازی دوسطحی پوتنام»<sup>۱</sup> در این منطقه مشخص کنند. کتاب *اقتصاد سیاسی خاورمیانه* که ویرایش جدید آن در سال ۲۰۱۵ م توسط کامت، دایوان، ریچاردز و جان واتربری نوشته شده، تحلیل جامعی از تحولات در اقتصاد سیاسی منطقه، طی چند دهه گذشته ارائه میکند. این کتاب در ویرایش جدید شامل فصلی است که اقتصاد سیاسی دولتهای خلیج فارس، بویژه رشد پدیده اقتصاد نفتی را ترسیم میکند. این کتاب بیشتر به تحلیل جامعه‌شناختی اقتصاد سیاسی خاورمیانه از جمله کشورهای خلیج فارس میپردازد. در ایران نیز کتابهایی به این منظور منتشر شده که میتوان به کتاب *اقتصاد سیاسی تحولات نوین خاورمیانه* اثر حسین پورا احمدی (۱۳۸۸) و برخی مقالات وی اشاره کرد. این رویکرد را میتوان بیشتر در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی ایران رصد کرد. هرچند کشورهای حوزه

اجتماعی بر تصمیمات آن تأثیر میگذارند (همان: ۱۱۰). در حوزه اقتصاد بین‌الملل نیز تلاش کشورها به اهمیت اقتصاد، بعنوان منبع قدرت در کنار قدرت نظامی و پدیده جهانی شدن که اساساً بر پایه حرکت آزاد سرمایه، کالا، خدمات و ایده‌ها، افکار و عقاید شکل گرفته، تصویری از جهان بعنوان یک مکان واحد ارائه میکند که در آن هر پدیده به پدیده دیگر مربوط میشود و در آن تأثیرگذار و از آن تأثیرپذیر است. این امر باعث شد که رهیافت اقتصاد سیاسی، اهمیت و آفری در حوزه جهان پیدا کند.

این رهیافت، در آسیای جنوب شرقی از دهه ۱۹۷۰ م، تحت عنوان «وفاق واشنگتن» وارد عرصه منطقه‌ی شد و موفقیت‌های زیادی کسب کرد. ادبیات آن از دهه ۱۹۹۰ م به خلیج فارس وارد و از سال ۲۰۰۰ م، بتدریج عملیاتی شد. علت آن قرارداد اسلو و تصور پایان کشمکش اعراب و اسرائیل، پیوند دموکراسی لیبرالی با سیاست خارجی ایالات متحده، تصور رابطه توسعه اقتصادی و دموکراسی و ایجاد کارآمدی برای حضور بیشتر در بستر سیاسی برای رژیمهای سیاسی و شکل‌گیری موج جدیدی برای تأمین مالی به نام سرمایه‌گذاری خارجی بود. این روند، اجازه داد که خاورمیانه و خلیج فارس چند دهه، پس از آمریکای لاتین به سمت توسعه اقتصادی گام بردارند.

بطور کلی پایان جنگ سرد بر وضعیت منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تأثیرگذار بود. برنامه و طرح سیاسی ایالات متحده نیز نظم جدیدی را تعریف کرده و گسترش میداد. این امر به دولتهایی که با رقابتی کردن و اجتماعی کردن سازگار بودند، کمک میکرد. این امر بر مبنای اصلاحات جدید و دربردارنده دموکراسی‌سازی و اقتصاد آزاد بود (هنسن و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸۹)؛ (Niblock & Murphy, 1993).

غرب برای پیشبرد برنامه‌های خود به کشورهای این منطقه اجازه داد که موج سرمایه‌گذاریهای خارجی، وارد منطقه شود. بنابراین انبوهی از برنامه‌ریزی اقتصادی و بازسازی قوانین، برای توسعه اقتصادی، این منطقه را فرا گرفته و موضوعاتی مانند اقتصاد سیاسی توسعه، اقتصاد سیاسی اقوام، گروه‌ها،

1. Putnam's two Level Games

رویکرد نخست، رویکرد تاریخی بود. این رویکرد، بصورت تلفیقی تاریخی - جغرافیایی، تاریخی - اقتصادی، تاریخی - فرهنگی و تاریخی - اجتماعی از نخستین رویکردهایی بود که در گذشته به شناخت این منطقه میپرداخت. این رویکرد با ورود تجدد به منطقه شکل متفاوتی بخود گرفت؛ ولی روش آن توصیفی و روایت آن نقلی بود. این رویکرد نخستین رویکرد در شناخت خلیج فارس بود و بیشترین ادبیات را در این زمینه شکل داده است. نویسندگان داخلی نیز بیشتر با این رویکرد سعی در مطالعه خلیج فارس داشته‌اند. پیامد کاربست این رویکرد شناخت داده‌های مختلف در خصوص منطقه، بدون تحلیل و آینده‌نگری خاصی بوده است. هر چند که اخیراً انتشار کتابها و مقالاتی با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی سعی در رفع این نقیصه داشته‌اند. تاریخ منطقه‌ی ایران نیز بیشتر از این رویکرد بهره برده و در داخل کشور مناقشه یکصدساله بر سر بحرین، جزایر سه‌گانه و تغییر در نام خلیج فارس و جایگاه آن در تولید ادبیات مبتنی بر این رویکرد مؤثر بوده است.

رویکرد دوم، تلاش در شناخت منطقه خاورمیانه بویژه خلیج فارس از منظر فرهنگ سیاسی بود. این رویکرد از اواخر قرن نوزدهم در میان سفرنامه‌نویسان و در قرن بیستم توسط برخی محققان، بویژه محققان علوم سیاسی، بکار بسته شد. علت آن کسب داده‌ها از منظر تاریخی برای کاربست آنها در مسیر توسعه منطقه بود. رویکرد مزبور که ساختارمحور بود، ادبیاتی را شکل داد که فرهنگ منطقه را تبعی و عقب‌مانده جلوه میداد. این رویکرد سعی داشت، کشورهای این منطقه را به تقلید از غرب سوق دهد. بنابراین موانع توسعه‌یافتگی منطقه را در فرهنگ سیاسی آنها جستجو و سعی میکرد که غرب را ویرترین توسعه و میعادگاه آنها بنمایاند. هر چند این رویکرد، نگاه تحلیلی در شناخت منطقه داشت؛ ولی نتوانست راه حل مناسبی برای خروج از توسعه‌نیافتگی منطقه ارائه کند. این رویکرد با نگاه خود نتوانست نهادهای بومی را در مسیر توسعه این منطقه استخدام کند و آنها را در مدار توسعه‌نیافتگی نگه داشت.

رویکرد سوم، مطالعات امنیتی بود. این رویکرد بیشتر از دهه ۱۹۷۰ - ۱۹۹۰م ادبیات نوشتاری در مورد خاورمیانه و

خلیج فارس و ترکیه، کتابهای بیشتری در این حوزه با این رویکرد منتشر کرده‌اند. شاخه دانشگاهی جرج تاون آمریکا در قطر بیشتر مطالعات خود را با این رویکرد منتشر میکند که از جمله آنها گزارش اقتصادهای دانش‌بنیان در دولتهای شورای همکاری خلیج فارس<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) است.

پیامد کاربست این رویکرد، برنامه‌ریزی برای توسعه در کشورهای خلیج فارس با تأکید بر سرمایه‌گذاری خارجی بود. این امر اندیشکده‌های غربی را واداشت که طرحهای مختلفی را برای توسعه کشورهای خاورمیانه از جمله خلیج فارس پیش‌بینی کنند. برای نخستین‌بار نیز کتابهایی درحوزه اقتصاد سیاسی برای بررسی موانع و پتانسیلهای توسعه در این کشورها شکل گرفت. این رهیافت بخاطر گستره زمانی محدود خود در خلیج فارس هنوز نتوانسته است، ادبیات زیادی تولید کند. بی‌شک گسترش و عمیق‌شدن آن میتواند باعث گسترش همکاری بجای رقابت در خلیج فارس شود.

### نتیجه‌گیری

بررسی ادبیات موجود در مورد خلیج فارس در دو قرن اخیر نشان میدهد که شکل‌گیری رویکردهای مطالعاتی خلیج فارس‌شناسی بیشتر ترکیبی از اراده و ساختار نظام بین‌الملل و از اتفاقات و حوادثی بوده است که در بیرون یا درون منطقه وجود داشته است. این موضوعات در تغییر پارادایمهای مطالعاتی خلیج فارس نقش عمده‌ی داشته‌اند. همچنین هر رویکرد ویژگیها، دستاوردها و نویسندگان خاصی داشته است. اهمیت خاورمیانه و خلیج فارس در ساختار نظام بین‌الملل، انرژی و اهمیت آن در مسیر تجاری شرق و غرب، اسرائیل و تبعات جنگ سرد و در نهایت، انباشت سرمایه در این منطقه، حوزه‌های مطالعاتی مختلفی را پیرامون خود شکل داده است. این بررسی بر آن بود که رویکردهای مختلف مطالعاتی را شناسایی و به علت ورود مهمترین ادبیات آن، مهمترین ادعاهای هر رویکرد و نتایج و پیامدهای آن در شناخت خلیج فارس بپردازد.

1. Knowledge Economies in the GCC States

خلیج فارس مبتنی بر نیازهای بیرونی و نظام بین الملل دارد. در ضمن واکنشی بودن و در پاره‌یی از موارد احساسی بودن پاسخ ایرانیان به مسئله خلیج فارس را نشان می‌دهد. با وجود این بنظر می‌رسد، حوزه جنوبی خلیج فارس سهم بیشتری از تولید این ادبیات را از آن خود کرده و مؤسسات پژوهشی بسیاری را در این مورد تأسیس کرده است. همچنین امارات و قطر در تدوین اسناد، انجام طرحهای پژوهشی و ترجمه متون از دیگران سبقت گرفته‌اند. این مقاله ضعف ادبیات خلیج فارس را در ایران نشان می‌دهد و بر ضرورت شکل‌دهی به ادبیات خلیج فارس، مبتنی بر الگوهای بومی و نیازهای داخلی و توجه به مؤسسات پژوهشی در این خصوص، تأکید دارد. ضرورتی که بنظر می‌رسد در گذشته بیشتر از امروز درک می‌شد.

#### منابع فارسی کتاب

- ادیب مقدم، آرشین؛ سیاست بین‌المللی در خلیج فارس؛ تبارشناسی فرهنگی، ترجمه غریباق زندی، تهران: شیرازه، ۱۳۸۸.
- اسدی، بیژن؛ خلیج فارس از دیدگاه آمار و ارقام، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸.
- \_\_\_\_\_؛ خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت، چاپ پنجم، ۱۳۶۸.
- \_\_\_\_\_؛ کتابشناسی موضوعی خلیج فارس: فارسی و عربی (کتابها، مقاله‌ها و رسانه‌ها و اسناد و مدارک)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸.
- اسکاچپول، تدا؛ بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: مرکز، ۱۳۸۸.
- افشار، ایرج؛ فهرست مقالات فارسی، جلد سوم، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۵.
- \_\_\_\_\_؛ فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی، جلد چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- \_\_\_\_\_؛ فهرست مقالات فارسی، جلد پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- القاسمی، شیخ سلطان بن محمد؛ دزدان دریایی در

خلیج فارس را شکل داد. همچنین این رویکرد، دولتهای این منطقه را به سمت بازاریابی و تقویت بنیه دفاعی سوق و معمای امنیت را در خلیج فارس افزایش داد. این رویکرد، در این حوزه، دستاوردهایی را برای برخی کشورهای خلیج فارس در برداشت؛ ولی راه حل مناسبی برای توسعه منطقه به همراه نداشت و آنها را غرق در رقابت و منازعه و منجر به درگیریهای نظامی و شکل‌دهی به سامانه‌های دفاعی کرد. غرب بخاطر اهمیت انرژی و مهمتر از آن انتقال انرژی و حفظ رژیم غاصب اسرائیل به گسترش این رهیافت دست یازید. همراه با این رهیافت، بیشترین ادبیات تولید و مراکز پژوهشی بسیاری در داخل و خارج از منطقه تأسیس شد.

رویکرد چهارم، رویکرد اقتصاد سیاسی بود. ادبیات این رویکرد، بیشتر از دهه ۱۹۹۰ م. تولید و برنامه‌های آن در خاورمیانه و خلیج فارس از ابتدای سال ۲۰۰۰ م. عملیاتی شد. علت اتخاذ و گسترش این رویکرد در مطالعه این منطقه، قرارداد اسلو و احساس غرب به تثبیت شناسایی رژیم غاصب اسرائیل از طریق گسترش روابط تجاری و اقتصادی آن با کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس، نیاز غرب به موج سرمایه سرگردان ناشی از افزایش قیمت نفت در خاورمیانه، اهمیت موج جدید سرمایه‌گذاری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی بجای استقراض و در نهایت نیاز رژیمها و کشورهای منطقه به کارآمدی اقتصادی برای استمرار حضور سیاسی و بقای خود بود. از این زمان سعی کردند، به تقویت حضور دولت در اقتصاد و بازسازی قوانین و ارائه برنامه‌ها و مشاوره‌های مختلف برای گسترش ادبیات توسعه در این کشورها بپردازند. بنظر می‌رسد این ادبیات بتواند تا حدودی همکاری را جایگزین رقابت در بین کشورهای خاورمیانه، بویژه خلیج فارس کند؛ موضوعی که سایر رویکردها مانع آن بودند.

دیپلماتها و مورخان انگلیسی و ایرانی رویکرد تاریخی را دنبال کرده‌اند. دیپلماتها و محققان علوم سیاسی، بیشتر رویکرد فرهنگی و مؤسسات پژوهشی و طرحهای پژوهشی سفارشی، بیشتر در چارچوب رویکرد امنیتی و اخیراً اقتصاددانان و دولتها، رویکرد اقتصادی را اتخاذ کرده‌اند. شناخت و مطالعه این رویکردها نشان از شکل‌گیری مطالعات

معاونت ارتباطات ریاست جمهوری، خانه کتاب، ۱۳۹۱.

- زکریا، فرید؛ *آینده آزادی: اولویت لیبرالیسم بر دموکراسی*، ترجمه امیر حسین نوروزی، تهران: طرح نو، ۱۳۸۵.

- زنگنه، حسن (ترجمه و تدوین)؛ *مشروطیت جنوب ایران*، به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر؛ تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایرانشناسی (شعبه بوشهر)، ۱۳۸۶.

- سایکس، سرپرسی؛ *ده هزار میل در ایران یا داستان هشت سال اقامت در ایران یا سفرنامه ژنرال سایکس*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: لوحه، ۱۳۶۳.

- سعیدی نیا، حبیب الله؛ *گمرک بوشهر و نقش آن در تجارت خلیج فارس در دوره قاجار*، بوشهر: دانشگاه خلیج فارس، ۱۳۸۹.

- سید امامی، کاووس؛ *پژوهش در علوم سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق و پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۶.

- سیوری، راجرز ام و جی بی کلی؛ *خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن هجدهم میلادی*، ترجمه حسن زنگنه، قم: مرکز بوشهرشناسی و انتشارات همسایه، ۱۳۷۷.

- صداقت کیش، جمشید؛ *کتابشناسی توصیفی خلیج فارس*، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۷۹.

- عباسی، ابراهیم (به کوشش)؛ *مجموعه مقالات همایش خلیج فارس، عسویه و امنیت*، شیراز: نشر مخاطب، ۱۳۹۴.

- فولر، گراهام؛ *قبله عالم؛ ژئوپولیتیک ایران*، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.

- فی، برایان؛ *پارادایم‌شناسی علوم انسانی*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.

- قاسمی، فرهاد؛ *صالحی، سید جواد؛ نگرشی تفوریک بر خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۷.

- قائم مقامی، جهانگیر؛ «اسناد فارسی، عربی و ترکی در بایگانی ملی پرتغال»، *مجموعه مقالات خلیج فارس*، تهران: مرکز مطالعات خلیج فارس، ۱۳۵۴.

- لورنس، ادوارد؛ *خاطرات لورنس عربستان*، مترجم: مسعود کشاورز، دو جلد، تهران: عطایی، ۱۳۶۹.

- لوریمر، ج ج؛ *الدلیل الخلیج*، قطر: ۱۹۹۲.

- \_\_\_\_\_؛ *دلیل الخلیج القسم التاريخی*، ترجمه

خلیج فارس، ترجمه محمدباقر وثوقی، تهران: مرکز مطالعات خلیج فارس، نشر همسایه، ۱۳۸۳.

- \_\_\_\_\_؛ *بازرگانی و جنگ قدرتها در خلیج فارس (۱۶۲۰-۱۸۲۰)*، ترجمه فرامرز فرامرزی، تهران: نشر همسایه، ۱۳۸۷.

- الهی، همایون؛ *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: قومس، ۱۳۸۸.

- بایندر، غلامعلی؛ *خلیج فارس*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۸.

- بهمنی قاجار، محمدعلی؛ *تمامیت ارضی ایران (پهلوی و قاجار)*، جلد اول و دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۹۰.

- پوراحمدی، حسین؛ *اقتصاد سیاسی تحولات نوین خاورمیانه*، تهران: دانشگاه آزاد، ۱۳۸۸.

- چیلکوت، رونالد؛ *نظریه‌های سیاست مقایسه‌یی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: رسا، ۱۳۹۳.

- جعفری ولدانی، اصغر؛ *تحولات مرزها و نقش ژئوپولیتیک آن در خلیج فارس*، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۴.

- \_\_\_\_\_؛ *کانونهای بحران در خلیج فارس*، تهران: کیهان، ۱۳۷۱.

- حسینی فسایی، میرزاحسن؛ *فارسانامه ناصری*، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، دو جلد، ۱۳۶۷.

- حکیمیان، حسن؛ *مشاور، زیبا؛ دولت و تحول جهانی: اقتصاد سیاسی‌گذار در خاورمیانه؛ ترجمه عباس حاتمی*، تهران: کویر، ۱۳۸۴.

- خیراندیش، عبدالرسول؛ *تبریزنیا، مجتبی (به کوشش)؛ پژوهشنامه خلیج فارس (دفتر اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم)*، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۱.

- راین، اسماعیل؛ *دریانوردی ایرانیان*، دو جلد، تهران: بی نا، ۱۳۵۶.

- \_\_\_\_\_؛ *کتابنامه خلیج فارس*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بی تا.

- رزم آراء، حسینعلی؛ *فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادیها)*، ده جلد، تهران: دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ۱۳۳۲.

- رمادان، حسین؛ *علی اکبری بایگی، علی اکبر (به کوشش)؛ خلیج فارس، هویت و تاریخ به روایت اسناد*، تهران:



- مکتب الترجمة، دیوان حاکم قطر، دوحه، ۱۹۶۷.
- \_\_\_\_\_؛ *دلیل الخلیج القسم الجغرافی، ترجمه الثقافی لحاکم، قطر: المکتب دارالعربیة للطباعة و النشر و التواریح، بیروت، ۱۹۶۹.*
- \_\_\_\_\_؛ *راهنمای خلیج فارس: تاریخ و جغرافیای استان بوشهر، ترجمه سید محمد حسن نبوی، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۷۹.*
- \_\_\_\_\_؛ *وقایع نگاری خلیج فارس: بخش ایران، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد ایرانشناسی، ۱۳۸۸.*
- \_\_\_\_\_؛ *وقایع نگاری خلیج فارس، بخش تاریخ ایران، ترجمه عبدالمحمد آیتی با نظارت و مقدمه دکتر حسن حبیبی، تهران: انتشارات بنیاد ایرانشناسی، ۱۳۸۸.*
- \_\_\_\_\_؛ *سواحل خلیج فارس: بوشهر، دشتستان، تنگستان، دشتی، لیراوی حیات دود، رود حله...، ترجمه عبدالرسول خیراندیش، تهران: آبادبوم، ۱۳۹۴.*
- *مجتهدزاده، پیروز؛ امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس، ترجمه امیر مسعود اجتهادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۰.*
- \_\_\_\_\_؛ *جغرافیای تاریخی خلیج فارس، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.*
- \_\_\_\_\_؛ *مرزها و ژئوپولیتیک در منطقه خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۲.*
- *مرکز مدارک علمی؛ کتابشناسی گزیده خلیج فارس، تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی، ۱۳۵۶.*
- *مشایخی، عبدالکریم؛ خلیج فارس و بوشهر: روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا در سالهای ۱۳۰۸-۱۳۳۹ هـ.ق، تهران: مؤسسه مطالعات ایران، بنیاد ایرانشناسی (شعبه بوشهر)، ۱۳۸۶.*
- *موریه، جیمز؛ حاجی بابای اصفهانی، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، تهران: نگاه، ۱۳۹۰.*
- *مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد؛ چشم‌انداز انرژی در خاورمیانه و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۹.*
- *نورایی، مرتضی؛ نقش کارگزاریهای داخلی وزارت امور خارجه در روابط ایران و بریتانیا، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶.*
- \_\_\_\_\_؛ *اسناد کارگزاری بوشهر، تهران: مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵.*
- *وثوقی، محمد باقر؛ تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران: سمت، ۱۳۸۹.*
- \_\_\_\_\_؛ *تحولات سیاسی صفحات جنوبی ایران، مجموعه گزارشهای کارگزاران بنادر و جزایر مسکون خلیج فارس، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱.*
- \_\_\_\_\_؛ *علل و عوامل جابجایی کانونهای تجاری خلیج فارس، تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۰.*
- *وزارت امور خارجه؛ گزیده اسناد خلیج فارس، تهران: مرکز چاپ و انتشارات، جلد چهارم، ۱۳۷۴.*
- \_\_\_\_\_؛ *گزیده اسناد خلیج فارس (جلد اول: جزایر خلیج فارس)*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸.
- *ویلسون، آرنولد تالبوت؛ خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.*
- *هانتر، شیرین؛ سیاست خارجی ایران بعد از فروپاشی شوروی، ترجمه مهدی ذوالفقاری، تهران: میزان، ۱۳۹۲.*
- *هنسن، برت و دیگران؛ استراتژی امنیتی قدرتهای بزرگ بعد از جنگ سرد: برندگان و بازندگان، ترجمه سید جواد صالحی و دیگران، تهران: مرکز پژوهشهای علمی و استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۹۳.*
- مقاله**
- *بایمن، دانیل؛ احتشامی، انوشیروان؛ چوبین، شهرام؛ گرین، جرال؛ «سیاست امنیتی در ایران پس از انقلاب»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۲۳، ۱۳۸۳.*
- *حاج یوسفی، امیر محمد؛ «گونه‌شناسی روشهای مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۴.*
- *عباسی، ابراهیم؛ «نقد و بررسی کتاب قبله عالم: ژئوپولیتیک ایران»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، ص ۲۰-۲۳.*
- *محمدی، مجید؛ «مقدمه‌یی بر مطالعه فرهنگ سیاسی*

- Cordesman.A.H, Enregy Developments in the Middle East, praeger, 2004.
  - Diamond, Larry(eds). Political culture & Democracy in Third World. London. Lyn Reiner Publications, 1994.
  - Halliday, F. The Middle East in International Relations: Power, Politics & Ideology (The Contemporary Middle East), Cambridge University Press, 2005.
  - Kamreva, M. Politics & Society in the Third World, London & New York, Routledge, 1993.
  - Kamreva, M. Small State, Big Politics, Ithaca, Cornell University Press, 2012.
  - Kamreva, M. International Politics of the Persian Gulf (Modern Intellectual & Political History of the Middle East) (eds), Syracuse University Press, 2006.
  - Kelly, J, B. Britain & the Persian Gulf, Oxford, 1968.
  - Lorimer, J. G. Gazetteer of the Persian Gulf, Oman & Central Arabia, Calcutta, 1908-1915, 1915.
  - Niblock & Murphy (eds). Economics & Political Liberalization in the Middle East, London & New York: British Academic Press, 1993.
  - The Persian Gulf Persis. 1903-1908, Archive Edition, 8 Vols, 1990
  - Pye, L & Verba, S (eds). Political Culture & Political Development, Princeton, Princeton University Press, 1985.
  - Willson, A. The Persian Gulf: A Historical Sketch from the Earliest Times to the Beginning of the Twentieth Century. London: Allen & Unwin, 1928.
  - Zonis, M. The Political Elite of Iran, Princeton: University Press, 1971.
  - Zonis, M. conspiracy Thinking in the Middle East, Political Psychology, Vol 5, No.3, pp.443-459, 1994.
- منبع اینترنتی**
- مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس، قابل دسترسی در: [www.cpg.shirazu.ac.ir](http://www.cpg.shirazu.ac.ir) ۱۳۹۵/۱/۲۸، زمان دسترسی،
- در ایران»، نشریه فرهنگ توسعه، سال اول، شماره سوم، آذر و دی ۱۳۷۱.
  - منابع لاتین**
  - Abedin moghadam, A. International Politics of the Persian Gulf (A Cultural Genealogy), Rutledge Studies in the Middle East Studies, 2006.
  - Adamiyat, F. Bahrain Islands, INC, Praeger, Frederic A: New York, 1955.
  - Almond, G. A Discipline Divided, Sage Publication, Chapter 4, 1990.
  - Almond, G, S, Verba. Civic Culture: Political Attitudes in Five Countries, Boston: Little Brown & Company, 1963.
  - Al Qasemi, Sultan bin Muhammad, Power Struggles & Trade in the Gulf, Forest Row, 1999.
  - Al Qasemi, Sultan bin Muhammad, The Gulf in Historic Maps, Leicester, 1999.
  - Bill, J & Sprinburge, R. Politics in the Middle East, 1980.
  - Cammett, J, Diwan, I, Richards, A, Waterbuty, J, A Political Economy of the Middle East, Westview Prss, 2015.
  - Carkoglu, A & Eder & Kirisci, The Political Economy of Regional Cooperation in the Middle East, Routledge, 1998.
  - Coates Ulrichsen, Kristian, "Knowledge Economies in the GCC States", Center for International and Regional Studies Georgetown University School of Foreign Service in Qatar, Summary Report No. 3, 2011.
  - Center for international and regional studies, "The International Relations of the Gulf", Georgetown University School of Foreign Service in Qatar, 2009.
  - Chaudhry, K.A, "The Middle East & Political Economic of Development", Items 48:41-49, 1999.
  - Chaudhry, K.A, The Price of Wealth: Economics & Institutions of the Middle East, Ithaca, NY: Cornell University Press, 1997.